

## از یادداشتهای

## مرحوم

## محمد ولی خان

## خلعتبری

« سپهسالار اعظم »

شود و دولت ایران هم اعلام بیطرفی نموده بود در واقع طرفین جنگ از موقعیت ایران می‌خواستند استفاده کنند روس و انگلیس با آنکه خود بخاک ایران تجاوز کرده بودند از ایران انتظار بیطرفی داشتند آلمان هم که میدانست روس و انگلیس چگونگی تضعیف ایران استفاده کرده و با استقلال ایران با قرار داد تقسیم ایران بمناطق نفوذ بین خودشان تجاوز نموده بودند می‌خواست بفتح مقاصد جنگی خود ایران را بر علیه روس و انگلیس بشورانند و ایران را از بیطرفی خارج سازند و موقعیت‌های شایانی هم بدست آورد تا آنجا که قوای ژاندارمری ایران از اطاعت دولت خارج شد و چون دولت ایران عاجز از مطیع ساختن ژاندارمری بود روس‌ها بر ضد ژاندارمری وارد جنگ شدند .

از طرف دیگر عده زیادی از وکلاء مجلس دوره سوم تهران را ترك کردند و حکومتی موقتی هم تشکیل شد که ژاندارمری در اختیار آن بود و قوای عظیمی هم که عشایر به آنها ملحق شدند .

مقدمه این وقایع و تقاعد ساختن احمد



محمد ولی خان خلعتبری

## پیشنهادهای روس و انگلیس به دولت ایران

در زمان جنگ بین الملل اول بین بریتانیا و روسیه از یک طرف که معروف به متفقین بودند و از طرف دیگر آلمان و اطریش و عثمانی که بنام متحدین شناخته میشدند رقابت بر سر ایران بود شمال ایران را روسیه تزاری و جنوب را بریتانیا و مغرب را عثمانی مورد تجاوز قرار داده بودند عمال آلمان در ایران با جدیدت مشغول بودند که دولت ایران را متمایل بخود سازند که از بیطرفی خارج



ارسلان خلعتبری

است و روشن کننده تاریخ است و سبب میشود درباره تاریخ وقایع ایران در زمان جنگ بین الملل اول و رویه زمامداران وقت بهتر قضاوت نمود .

آقای شهرام امیری چنین مینویسد ( در این موقع دولت ایران نیز بطرف آلمان ها متمایل شده و مستوفی الممالک رئیس الوزراء حتی يك معاهده محرمانه نیز با آلمان منعقد نموده و در این قرارداد آلمان ها متعهد شدند كه همه گونه كمك و مساعدت با ایران بنمایند .

در تاریخ معاصر ایران تا چندین قبل اطلاعات قطعی در مورد آن قرارداد در دست نبود ولی برای اولین بار پژوهشگر گران مایه آقای صفائی ترجمه متن این قرارداد را که از روی اسناد سیاسی وزارت خارجه آلمان در صفحات ۲۳۸ و ۲۴۲ ج ۲ - کتاب و ایران و سیاست خاور میانه، تألیف اولریچ گرگ چاپ اشنو نکارت آمده است در کتاب رهبران مشروطه نقل کرده است و با انتشار متن این قرارداد نکات تاریک و مهمی از تاریخ معاصر ایران را روشن نموده است .

در سال ۱۳۳۴ قمری بعد از نخست وزیری مرحوم مستوفی الممالک تشکیل هیئت دولت بعهده شاهزاده فرمانفر ماوا گذار شد بعد از مدت کوتاهی کابینه فرمانفرما هم مستعفی و مرحوم محمدولی خان سپهسالار اعظم رئیس - الوزراء شد این نکته هم گفته شود که در زمان ریاست وزراء مرحوم مستوفی الممالک عده ای زیاد از کلاهی مجلس بِنفع آلمان ها مجلس را ترك و بقم عزیمت و از آنجا مهاجرت برداشتند و در موقع ریاست وزراء فرمانفرما و بعد سپهسالار اعظم مجلسی وجود نداشت .

ضمناً از یادداشتهای مرحوم محمد ولی خان فهمیده می شود که آن مرحوم

شاه به ترك پایتخت و عزیمت باصفهان در زمان حکومت مرحوم مستوفی الممالک نخست وزیر وقت بود که بحرکت شاه به اصفهان تمایل داشت ولی چنانچه در شماره سابق از یادداشت - های مرحوم سپهسالار اعظم نقل نمودم سپهسالار اعظم و مصمص السلطنه بختیاری دو نفری بودند که مؤثر در قسح عزیمت شاه بودند .

ولی حکومت موقتی بر خلاف رویه و برنامه دولت که حفظ بیطرفی بود بِنفع آلمان با انگلیس و روس وارد مبارزه شد این اسر بدست روسها بانه داد که آنها را یغی نسبت بدولت مرکزی که طرفدار بیطرفی بود معرفی کنند و بقلع و قمع آنها بپردازند و در نتیجه جنگهای عذیبه قوای ژاندارمری ایران با دادن چندین هزار نفر تلفات از میان رفت و قوای عشایر هم شکست خوردند حکومت موقتی و مهاجرین بتدریج عقب نشینی کردند تا آنکه سران آنها ناچار شدند از ایران خارج و به ترکیه بروند خلاصه مهاجرین نتیجه ای از این اعمال نگرفتند و معلوم نشد در مقابل چه عوضی از آلمانها این خطرات را برای خود ایجاد نمودند و يك قسمت از مملکت را دچار اختلال و بی نظمی و خرابی کردند ؟ آیا قراردادی بین آنها و دولت آلمان و عثمانی برای این همراهی با آلمان و طرفیت باروس و انگلیس وجود داشت ؟ آیا فقط احساسات وطن پرستی موجب بود که تصور می کردند شکست روس و انگلیس موجب نجات ایران از تمذیبات مظالم آن دو کشور می شد ؟

خوشبختانه در شماره اخیر مجله وحید ( شماره ۱۷۹ مخصوص اردی بهشت ) مقاله مستندی از آقای شهرام امیری تحت عنوان ( رقابت های قدرت های بزرگ در ایران ۱۹۴۸-۱۹۱۸ ) بود که بسیار جالب توجه

داریم بگذرند و بدهند و راتوریوم بدهند و دادند امتیازات را رد کنند منظرها محو کنند قرارداد ترکمانچای را بهم بزنیم و کاپیتولاسیون را برداریم . . . مردم را موقوف بداریم در بیطرفی متمایل باقی بمانیم کاری بطرفین و حمایتی نداشته باشیم باری چه پیش آمدهای خوب کرد و این مرد همه را با مراد وقت گذرانید وزراء هم با او همکاری کردند تا اینکه کناره کرد شاه رفت فرح آباد مجلس بهم خورد فرمانفرما رئیس الوزراء شد و مرا طلبید و بعاتهای خارجه دریازده روز بنده داخل شدم حالا کناره گرفتم قشون روس در تمام مملکت ما حکمفرما حالا قشون روس در تمام دارالمرز هستند بکاشان و همدان و قم در کنگاور و حتی تاپل کرج نزدیک تهران الی مالیر و تویسرکان این چند روزه به کرمانشاهان و اصفهان هم میرسند از سیئات اعمال این دموکراتها - محمدولی ،

« امشب که شب دوشنبه چهاردهم حمل است ۲۹ جمادی الاولی آمدم بیابغ فردوس امروز یکماه است که بنده رئیس الوزراء هستم از کارها خیلی کارهای خوب کردیم بخدمت اله بیشتر از جاهای ایران آرام و منظم است اگر چه قشون روس هم در وزارت فرمانفرما بهمه جای ایران وارد شده و هستند ولیکن حال ما می رویم کم کم یکنوع آمیزش و محبتی فراهم کنیم و مردم را آسوده بداریم و خودمان هم آسوده شویم تا خداوند چه مقدر کرده باشد شاه جوان و حرف نشو است مجلس هم مدتی است بسته شده است بنده یکه و تنها الان در نبردهستم »

محمدولیخان سپهسالار خودش وزیر جنگ کابینه مستوفی الممالک بود و این مطالب هم قریب شصت سال پیش نوشته شده و ملاحظه می شود چه پیشنهادات مهمی بنفع

برنامه اش حفظ بیطرفی در جنگ بود و با مهاجرت و اعمال مهاجرین وضدیت باروس و انگلیس در آن موقع موافق نبوده است بنا بر این در ایران سیاستمداران بدو دسته تقسیم شده بودند و اکنون که بیش از نیم قرن از آن زمان گذشته مطالبی که در آن زمان معلوم نبود و پنهان بود با تحقیقات و نوشته ها و مقالات و کتب و معلوم شدن نتایج جنگ بین المللی اول که بشکست آلمان و عثمانی منتهی شده آشکار شده بخوبی میتوان بدون تعصب نسبت برویه سیاستمداران آن زمان قضاوت نمود که کدام مقرون با پیشبینی و تغافل و کدام از روی احساسات و بدون دوراندیشی بوده است چه بعضی نوشته ها و یادداشتها هم که در آن زمان نوشته شده معلوم می گردد خالی از تعصب نسبت بیکسی از طرفین نبوده و احساسات وطن پرستانه بیشتر در تشخیص وقایع و اظهار نظر در مسائل تأثیر داشته تا یک قضاوت عاری از تعصب. بهر حال یک قسمت از یادداشتهای مرحوم محمدولیخان اهمیت موقعیت ایران را در جنگ اول بین المللی از نظر روس و بریتانیا میرساند که ذیل نقل میکنم:

« امشب که شب پنجشنبه ۲۹ شهر صفر المظفر است سنه ۱۳۳۴ دیروز بجمداله از وزارت جنگ استعفاء و از کابینه حضرت والا فرمانفرما خلاص شده بخدمت اله و المنه محض طفره از شهر به باغ فردوس تک تنها زیر کرسی این واقعه را مینویسم. در کابینه مستوفی الممالک بهزار وعده و وعید اصلاحات امورات مملکت من قبول وزارت جنگ نمودم در دهم شوال ۱۳۳۳ در هیجدهم صفر ۱۳۳۴ این مرد استعفاء داد هر چه گفتم نشنید چه موقع های خوب برای خدمت بملت و دولت پیش آمد و روس و انگلیس راضی شدند با ما کنار بیایند و آنچه قروض

ایران از طرف روس و انگلیس بایران شد برای اینکه ایران بیطرف بماند از آلمان حمایت نکند .

در آن زمان ایران مبالغ هنگفتی به روس و انگلیس مقروض بود از آن قروض صرف نظر می کردند اینک سه سال از در یادداشت خود نوشته پیشنهاد کردند (منطقه را محو کنند) مقصود برهم زدن قرارداد ۱۹۰۷ بین روس و انگلیس راجع به تقسیم ایران بمناطق نفوذ بود که چقدر برای ایران اهمیت داشت در آن زمان روس و انگلیس امتیازات زیادی از ایران گرفته بودند که از آن صرف نظر می کردند .

معاهده ترکمن چای دست و پای ایران را در مقابل روسیه و کشورهای بزرگ دیگر که برای خود شراکط مساوی با آن میخواستند بسته بود روسها حاضر بلغو آن شده بودند. کاپیتولاسیون که استقلال قضائی ایران را در مقابل خارجی ها محو کرده بود روس و انگلیس حاضر شدن از میان بردارند. البته بریتانیا هم که متفق جنگی روسیه بود از موقع استفاده می کرد روسیه برای نجات خود محتاج بکمک بریتانیا در مقابل آلمان بود و الا روسیه به تنهایی در مقابل آلمان عاجز و شکست خورده و در حال منالاشی شدن بود اگر روسها از معاهده ترکمن چای و تقسیم ایران بمنطقه نفوذ طبق قرار داد خودشان با بریتانیا و از امتیازات خود صرف نظر می کردند و کاپیتولاسیون از میان

می رفت و ایرانی مستقل بین بریتانیا و روسیه واقع میشد این همان سیاست دیرین بریتانیا برای حفظ هندوستان بود و روسیه هم از نظر موقعیت جنگی این پیشنهادات را میسر دو بماند بر این قبول این پیشنهادات بصلاح ایران بود چه دیگر چنین فرصتی پیش نمی آمد و بریتانیا هم قلباً به آن پیشنهادات مایل بود. مرحوم مستوفی الممالک که در وطن-

پرستی و پاکدامنی و تقوی شهره و مورد احترام و محبت عموم مردم ایران بود برای نجات دادن ایران از جنگ کال روسیه و بریتانیا فکرمی کرد تنها راه توسل به آلمان است محرک او انگیزه وطن پرستی بوده و اکنون معلوم شد که با آلمانها قرارداد محرمانه منعقد کرده بود سیاستمدارانی که طرز دیگر فکرمی کردند با مسلم بودن این واقیعت که قشون روس قسمت عمده ایران را اشغال کرده و واقعاً حکومت را بدست داشت طرفداری و حمایت از آلمان و یا نقض بیطرفی را برای ایران خلاف مصلحت می دانستند و موقعی که چنین پیشنهاداتی از روس و بریتانیا رسیده بود معتقد بودند باید بیطرفی را حفظ نمود و از مزایای آن که این پیشنهادات بود استفاده نمود حال قضاوت بین آن دودسته با تاریخ است .

اما راجع بوصول پیشنهادات مذکور بدولت ایران مستندات دیگری هم وجود دارد که در مقاله آینده درج خواهد شد .